

نمدالی در قصر شیرین و شاه آباد غرب

عبدالله بهالگردی

زیر نظر دکتر صادق کیا استاد دانشگاه تهران و مشاور عالی هنرهای زیبای کشور و رئیس اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه

یک دایره بازااست و از چند پارچه پیچیده شده به هم درست شده برای آن که پارچه‌های ژیربال^۱ باز نشود بر روی آن نخ می‌بندند. ژیربال^۲ را هنگام زدن مشت به زه کمان برزانوی چپ می‌گذارند و آرنج دست را بر آن قرار می‌دهند تا کار آسان‌تر شود (شکل ۳).

پشم‌زن نخست پشمی را که برای درست کردن نمد لازم دارد در برابر خود می‌گذارد، (مقدار یک من پشم برای درست کردن هر نمد لازم است) آنگاه ژیربال را روی زانوی چپ خویش قرار می‌دهد و با دست چپ میان کمان را که پارچه‌ای بر آن پیچیده شده (نگاه کنید بشکل ۱) می‌گیرد و با مشت‌های که در دست دارد بر زه کمان می‌زند تا پشم از هم باز و آماده‌ی کار شود. برای اینکه پشم نرم‌تر گردد این عمل را دوبار تکرار می‌کند یعنی پس از آنکه یک بار تمام پشمها زده شد دوباره آنها را می‌زند.

ابزارهای کار نمدمالی

۱- قالب^۳: قالب. یک تخته گونی است با اندازه ۱۲ تا ۱۴ متر مربع (۳۳ یا ۴۳×) که پشمهای زده شده را روی آن پهن

- ۱- مَوج^۴: بافته‌ای است همانند چادرش که تار و پود آن از پشم است و رختخواب را در آن می‌گذارند.
- ۲- هُور^۵: جوالی که از مو بافته میشود.
- ۳- رَشِک^۶: چیزی است مانند تور با سوراخهای بسیار درشت که از مو بافته میشود و برای بردن گاه از جانی به جای دیگر به کار می‌آید.
- ۴- سیاه‌چادر: پارچه‌ای است به درازای ۱۵ الی ۲۰ متر و به پهنای ۱/۵ تا ۲ متر که از مو بافته می‌شود و ایل‌های چادرشین دیواره چادرهای خرد را آن می‌پوشانند.

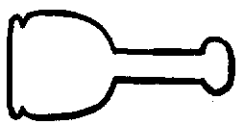
در تابستان امسال اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه هنرهای زیبای کشور بر طبق برنامه ده ساله خود، نگارنده را با سه تن دیگر از کارمندان اداره فرهنگ عامه، برای بررسی در تمام شئون زندگی مادی و معنوی مردم شاه‌آباد غرب، قصر شیرین، کرد، سرپل ذهاب و آبادیها و ایل‌های پیرامون آنها به آن نواحی گسیل داشت. و ما توانستیم مواد فراوانی گردآوری کنیم. امید است این یادداشتها در سلسله انتشارات اداره فرهنگ عامه چاپ شود و در دسترس همگان قرار گیرد.

قصر شیرین و شاه‌آباد غرب هر دو از شهرهای استان پنجم «کرمانشاهان» و نزدیک به یکدیگر هستند. در سرشماری همگانی سال ۱۳۳۵ خورشیدی جمعیت این دوشهر ۲۸۲۴۷ تن (۲۳۹۰۱ تن در قصر شیرین و ۴۳۴۶ تن در شاه‌آباد غرب) بود. مردم این دوشهر هنرهای بومی خود را که نمدمالی - گلیم‌بافی و مَوج^۴ بافی^۱ است تاکنون حفظ کرده‌اند و در روستاها و ایل‌های پیرامون آنها هُور^۵ - رَشِک^۶ و سیاه‌چادر^۴ نیز بافته میشود - ما در زیر تنها درباره نمدمالی سخن می‌گوییم.

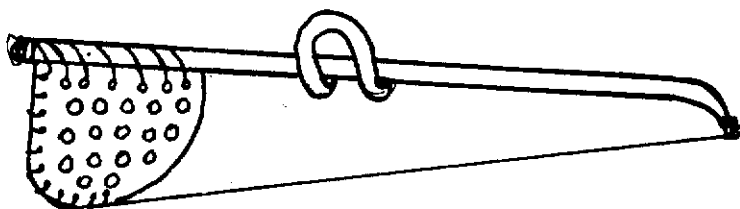
پشم‌زنی و آماده کردن پشم برای نمدمالی برای درست کردن یک نمد دوتن همکاری می‌کنند یکی پشم‌زن و دیگری نمدمال.

افزارهای کار پشم‌زنی

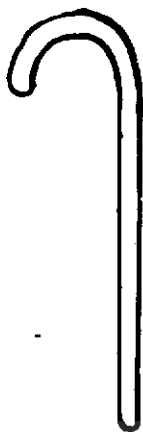
- ۱- چوکمان^۷: کمان پشم‌زنی که مانند کمانهای پنبه‌زنی تهران است (شکل ۱).
- ۲- چک^۸: مشتته. افزاری است چوبی مانند مشتته پنبه‌زنی تهران (شکل ۲).
- ۳- ژیربال^۹: پارچه‌ای است گرد و وسط آن به صورت



شکل ۳ - چاك = مشته



شکل ۱ - چوکمان



شکل ۴ - گنوجان



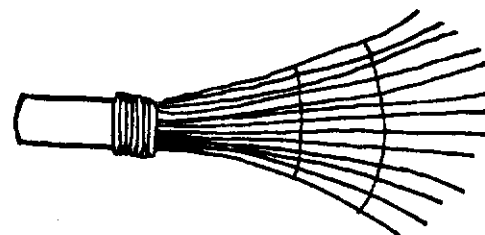
شکل ۳ - ژیربال



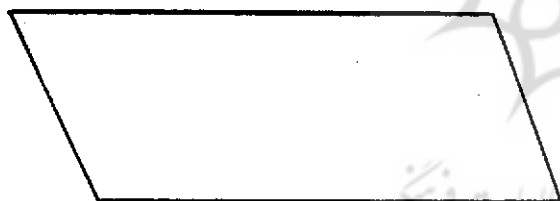
شکل ۵ - چواتو



شکل ۷ - قیچی



شکل ۶ - شن



شکل ۸ - قالب

مالیده شده می‌کشند تا هموارتر شود (شکل ۵).

۵ - آباش: آباش. يك آباش كوچك فلزی را برای پاشیدن آب بر پشم به کار می‌برند.

۶ - قیچی: قیچی. برای بریدن پیش‌آمدگی‌های بی‌جا و زشت نمد و آرایش آن بکار می‌رود. (شکل ۷).

۷ - طناب: طناب. چگونگی بکاربردن آن در زیر یاد شده است.

چگونگی نمدمالی

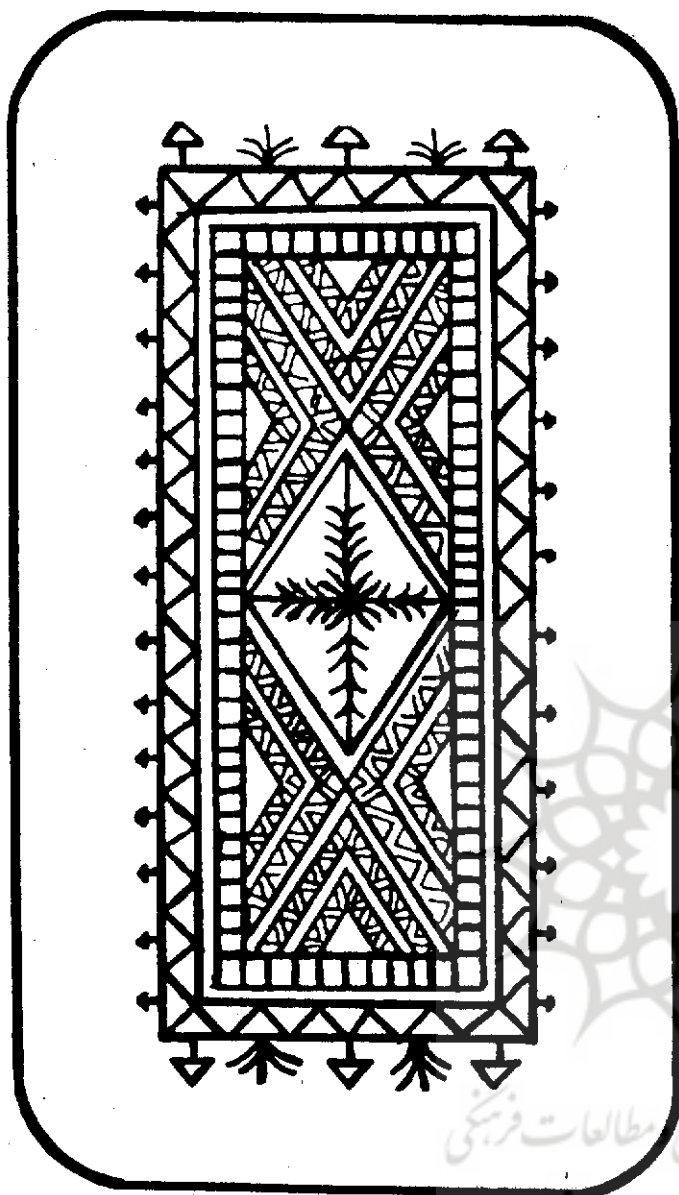
پس از این که پشم‌زن با افزارهایی که در بالا یاد کردیم پشم را زد و نرم و آماده کرد نمدمال کار خود را آغاز می‌کند.

می‌کنند (شکل ۸).

۴ - شن: شن افزاری است چوبی مانند شن (افزاری که با آن گندم را باد می‌دهند) با دسته‌ای کوتاه که پشم‌های زده شده را با آن بر روی قالب جا بجا می‌کنند تا در همه جا یکسان و يك اندازه شود (شکل ۶).

۳ - گنوجان: چوبی است به صورت عصا که با آن بر روی نمد مالیده شده می‌زنند تا از هم بازتر و گسترده‌تر گردد (شکل ۴).

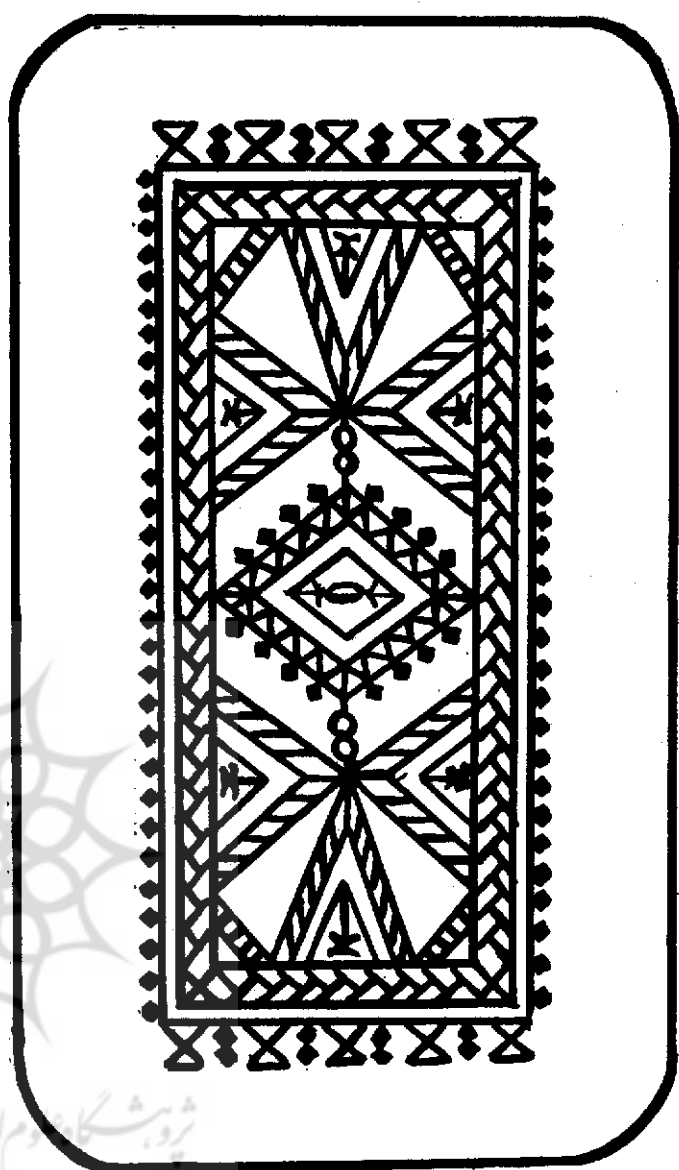
۴ - چواتو: اتوی چوبی. افزاری است چوبی به درازای يك متر که دوسر آن را می‌گیرند و بر روی نمد



شکل ۱۰

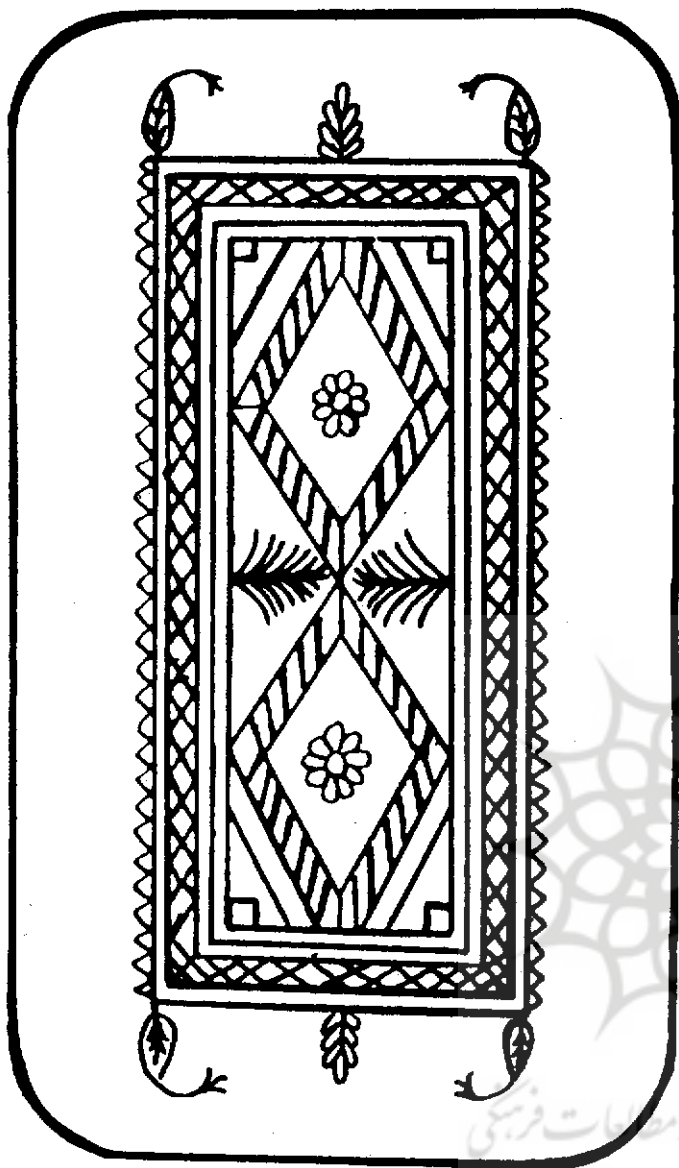
زیر لگدهای سخت خود می‌کوبد تا پشم‌ها خوب درهم شود . سپس لوله را باز می‌کند و به پشم که اکنون به صورت یک نمذ نقش‌دار درآمده است با گوجان چند ضربه می‌زند تا بازتر و گسترده‌تر شود و پس از آن با دو دست خود چندبار چو آتو را بر روی آن می‌کشد تا هموار شود و باقیچی پیش‌آمدگی‌های نابجا وزشت آنرا می‌برد . پس از اینکه کار درست کردن نمذ به پایان رسید آنرا با آب می‌شوید و در آفتاب آویزان می‌کند تا خشک شود .

روستاها و ایل‌های پیرامون قصر شیرین و شاه‌آباد غرب اتاقها و چادرهای خود را با نمذ فرش می‌کنند .

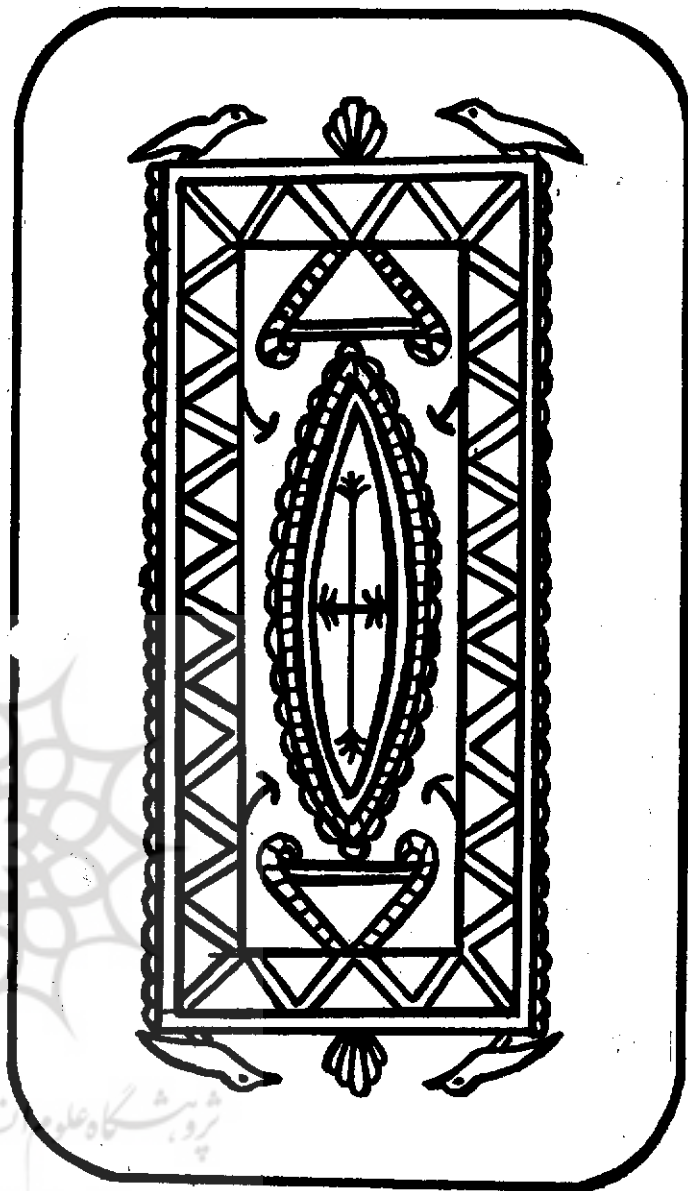


شکل ۹

او نخست پشم زده را روی قالب می‌ریزد و با در نظر گرفتن اندازه‌ی نمذی که باید درست شود با شن پشم را جابجا و یک نواخت می‌کند سپس با آبیاش اندکی آب بر پشم می‌ریزد و آنگاه قالب را با پشمی که روی آن گسترده شده لوله می‌کند و دوسه دقیقه بر آن لگد می‌کوبد سپس دوباره آنرا باز می‌کند و از پشمی که رنگ سیاه طبیعی دارد یا به رنگهای دیگر رنگ شده است از روی نقشه‌ای که در نظر گرفته شده بر روی آن می‌گذارد و سپس دوباره قالب را با پشم می‌پیچد و لوله می‌کند و قالب لوله شده را با طناب سفت می‌بندد و خود با یکی دوتن دیگر بر روی آن باندازه‌ی دوسه ساعت می‌برد و این لوله را



شکل ۱۲



شکل ۱۱

یا رنگی بر روی پشم متن نمذ برای نقش و نگار کردن آن .
 ۴- نقّند° : لگد .

شکل های ۹- ۱۰- ۱۱- ۱۲ نمونه هایی از نقش های نمدهای قصر شیرین و شاه آباد غرب است . نمذ در بخشی که نگارنده بررسی کرد سفارشی ساخته می شود به این معنی که هر کس نمذی بخواهد پشم را به پشم زن و نمدمال می دهد و دستمزدی نیز به شرحی که در بالا گذشت به آنها می پردازد . واگر گاهی نمدمالی یک نمذ آماده داشته باشد آنرا به بهای ۵۰۰ ریال به فروش می رساند .

دستمزدی که برای یک تخنه نمذ به پشم زن و نمدمال داده می شود بستگی به مقدار پشمی دارد که برای درست کردن آن بکار برده می شود . برای هر یک من پشم یکصد و بیست ریال مزد می دهند . چند واژه محلی که در نمدمالی بکار می رود :

- ۱- وایسکن° : پشم زن .
- ۲- وایسری : پشم زده شده (گذشته از وایسری گاهی به پشم زده شده خیت هم میگویند) .
- ۳- خال° گزاری : خال گذاری . چیندن پشم های سیاه